

## عنوان بحث

حجیت شهرت

### بیان مختصر سوال اصلی

شهرت در اصطلاح اهل حدیث با اصطلاح فقها تفاوت هایی دارد. در اصطلاح اهل حدیث شهرت ، خبری می باشد که روایت کننده آن فراوان است و به نحوی است که به حد تواتر نرسد اما در اصطلاح فقها به فتوایی گفته می شود که به حد اجماع نرسد و در اصطلاح فقها شامل هر فتوایی می شود که نقل کننده و قائل به آن فراوان باشد و توجه به این نکته ضروری است که نقل فتوا باعث شهرت آن فتوا نمی شود.

آنچه در این بحث راجع به آن توضیح خواهیم داد شهرت فتوایی می باشد.

سوال اصلی که در این بحث مطرح می شود این است که آیا شهرت با توجه به تعریفی که از آن انجام دادیم حجیت دارد یا خیر؟

در واقع بین شهرت عملی و فتوایی تفاوت وجود دارد. شهرت عملی به این معناست که مستند فتوا خبر خاصی است که اکنون در دست ما موجود است و شهرت فتوایی به این معناست که ندانیم مستند چیست و اینجا شهرت فقط در فتوا می باشد خواه خبری مطابق با شهرت باشد و خواه خبری مطابق شهرت نباشد.

### چکیده بحث

شهرت دارای دو اصطلاح و معنا می باشد.

اصطلاح و معنای اول: شهرت در روایت

در اینجا معنای شهرت در روایت این است که نقل خبر از سوی چند راوی به صورتی باشد که به اندازه تواتر نرسد. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که برای اینکه روایتی مشهور باشد لازم

نیست که عمل کردن به آن هم نزد فقها شهرت داشته باشد. اما ممکن است گاهی شهرت داشته باشد و گاهی نداشته باشد و البته نقل فتوا باعث شهرت آن فتوا نخواهد شد.

توجه به این نکته نیز ضروری است که شهرت فتوایی از جمله اسباب ترجیح خبر بر خبر معارض می باشد. به همین دلیل می توان گفت که خبر مشهور می تواند از این جهت حجت باشد.

### اصطلاح و معنای دوم: شهرت در فتوا

منظور این است که یک فتوا نسبت به یک حکم شرعی در نزد فقها شیوع و شهرت بیشتری دارد. به عبارت دیگر کسانی که این فتوا را صادر کرده اند فراوان هستند اما به اندازه اجماعی که باعث قطع به گفتار معصوم می شود نرسیده است.

پس تفاوت اصلی شهرت عملی و شهرت فتوایی در این است که در شهرت عملی خبر خاصی که مستند فتوای ما می باشد در دست ما موجود است اما در شهرت فتوایی این مستند را نمی دانیم و فقط می دانیم که شهرت در فتوا داریم چه این خبری که داریم مطابق شهرت باشد چه مطابق شهرت نباشد.

## تحریر محل نزاع

بحث اصلی ما در اینجا همین شهرت در فتواست که می توان آن را به لحاظ اقوال و نزاع و صحبت هایی که شده است به دو قسمت کلی تقسیم کرد.

اول: باید دانست که مستند شهرت در فتوا یک خبر خاصی است که فی الحال در دست ما یا به عبارتی مکلف موجود است. اگر این اتفاق بیفتد به آن شهرت عملی می گوئیم.

دوم: اینکه فی الحال ندانیم که مستند شهرت فتوایی چیست. در این قسمت شهرت فقط در فتوا اتفاق می افتد؛ خواه خبری خاص مطابق با آن شهرت وجود داشته باشد و خواه وجود نداشته باشد. خواه به این خبر خاص، مشهور استناد کرده باشد یا نکرده باشد و یا حتی استناد آنان معلوم

نباشد. اینجاست که بحث از شهرت فتوایی به میان می آید و باید توجه داشته باشیم که صرف نقل فتوا باعث شهرت فتوا نخواهد شد.

آنچه در این تقریر به آن می پردازیم همین قسم دوم و شهرت فتوایی به این معنا می باشد.

## اقوال موجود در مساله

در اینکه آیا شهرت حجت است یا خیر اقوالی وجود دارد که به آن ها اشاره خواهیم کرد.

قول منسوب به شهید اول و محقق خوانساری و صاحب معالم

این شهرت از آن جهت که شهرت است که بر حکمی می باشد که فتوا به آن داده شده است و ازین جهت حجت است و نتیجه ای که از آن می گیرند این است که این شهرت مانند خبر واحد از ظنون خاص باشد.

قول دیگر: دلیلی برای حجیت این شهرت (فتوایی) وجود ندارد. این قول را محمد تقی اصفهانی صاحب کتاب هدایه المسترشدین در جلد ۳ صفحه ۴۴۱ آورده و به اعتقاد ایشان مشهور اصولیون شیعه و اهل سنت بر این باورند که شهرت فتوایی به خودی خود حجت نیست و برای اثبات حکم شرعی نمی توان به آن استناد کرد.

نکته اصلی وجود این اختلاف نظرها این است که همگی به این اتفاق رسیده اند که فتوای یک یا چند مجتهد تا وقتی که به اندازه شهرت نرسیده است بر سایر مجتهدین حجیت ندارد و استفاده از آن جایز نمی باشد. به تبع این حکم، جایز نبودن تقلید برای کسانی است که قدرت بر درک و فهم احکام را دارند.

## ادله اقوال

معتقدین به حجیت شهرت فتوایی برای اقوال خود دلایلی مطرح می کنند که ذیلا به آن ها اشاره خواهیم کرد.

اول: عمومیت تعلیل در آیه نبا

قائلین به این دلیل اشاره دارند که به مستند آیه « ان تصیبوا قوما بجهاله » عمومیت در این آیه بر اعتبار شهرت فتوایی دلالت دارد زیرا از تعلیل این آیه این گونه برداشت می شود که مانع از پذیرفتن خبر فاسق بدون بررسی و تحقیق می باشد و ضرر آن مانند ضرر آسیب رساندن از روی نادانی می باشد. پس دلالت آیه این است که هرچه بوسیله آن از آسیب رساندن به نادانی ایمن باشیم حجت است و باید به آن عمل کرد و شهرت را دقیقا در همین باب مطرح می کنند.

دوم: اولویت داشتن شهرت بر خبر واحد

دلایل حجیت خبر واحد با در نظر گرفتن مفهوم موافقت بر حجیت شهرت دلالت دارد. یعنی ظن حاصل از شهرت غالبا از ظن حاصل از خبر واحد قوی تر است. پس شهرت به حجیت اولی است.

سوم: دلالت اخبار

روایاتی در خصوص حجیت شهرت روایی آمده است که ذیلا به آن ها اشاره می کنیم.

روایت مرفوعه زراره

زراره از امام باقر (ع) می گوید: سَأَلْتُ الْبَاقِرَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَأْتِي عَنْكُمْ الْخَبْرَانِ أَوِ الْحَدِيثَانِ الْمُتَعَارِضَانِ فَبِأَيِّهِمَا آخُذُ فَقَالَ: يَا زُرَّارَةُ خُذْ بِمَا اشْتَهَرَ بَيْنَ أَصْحَابِكَ وَ دَعِ الشَّاذَّ النَّادِرَ.

ترجمه: فدایت شوم، دو خبر و دو حدیث متعارض از شما نقل می شود، به کدام عمل کنیم؟ امام فرمود: آن را بگیر که میان یاران شهرت دارد، و خبر شاذ و نادر را رها کن، گفتیم: ای آقای من، هر دو مشهور است و از شما نقل شده اند، فرمود: آن را بگیر که عادل ترین شان می گویند.

استدلال به این روایت به این صورت است که اولاً در عبارت « آنچه شهرت دارد» مراد از موصول یعنی کلمه « ما » مطلق مشهور است از آن جهت که مشهور و شهرت دارد نه از جهت خصوص خبر. پس به این دلیل شهرت فتوایی را نیز شامل می شود زیرا موصول صله خود را معین می کند و اینجا صله همان کلمه « اشتهر » می باشد که شامل فتوا نیز می شود.

ثانیاً بر فرض اینکه منظور از موصول خاص همان خبر باشد از کلام مرفوعه زراره می توان فهمید که این حکم منوط به شهرت نیز می باشد پس نتیجه ای که می توان گرفت این است که فتوای مشهور مانند خبر مشهور دارای اعتبار است.

مقبوله عمر بن حنظله

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع - عَنْ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِنَا بَيْنَهُمَا مُنَازَعَةٌ ... قُلْتُ فَإِنْ كَانَ كُلُّ رَجُلٍ اخْتَارَ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا فَرَضِيَا أَنْ يَكُونَا التَّائِظِرَيْنِ فِي حَقِّهِمَا وَ اخْتَلَفَا فِيمَا حَكَمَا وَ كِلَاهُمَا اخْتَلَفَا فِي حَدِيثِكُمْ - قَالَ الْحَكْمُ مَا حَكَمَ بِهِ أَعْدَلُهُمَا وَ أَفْقَهُهُمَا وَ أَصْدَقُهُمَا فِي الْحَدِيثِ وَ أَوْرَعُهُمَا وَ لَا يَلْتَفِتُ إِلَى مَا يَحْكُمُ بِهِ الْآخَرُ قَالَ قُلْتُ فَإِنَّهُمَا عَدْلَانِ مَرْضِيَانِ عِنْدَ أَصْحَابِنَا لَا يُفْضَلُ وَاحِدٌ مِنْهُمَا عَلَى الْآخَرِ قَالَ فَقَالَ يُنْظَرُ إِلَى مَا كَانَ مِنْ رِوَايَتِهِمْ عَنَّا فِي ذَلِكَ الَّذِي حَكَمَا بِهِ الْمُجْمَعُ عَلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِكَ فَيُؤْخَذُ بِهِ مِنْ حُكْمِنَا وَ يُتْرَكُ الشَّاذُّ الَّذِي لَيْسَ بِمَشْهُورٍ عِنْدَ أَصْحَابِكَ فَإِنَّ الْمُجْمَعُ عَلَيْهِ لَا رَيْبَ فِيهِ

این که امام صادق (علیه السلام) در این روایت عبارت مجمع علیه را در برابر شاذ قرار داده است معلوم می شود که مراد از "مجمع علیه"، اجماع نیست و مراد مشهور است.

شاهد دیگر این که مقصود از این عبارت مجمع علیه مشهور است، این است که سائل در ادامه سوال می کند: اگر هر دو خبر مجمع علیه بود؛ و این دلالت بر این دارد که مراد از مجمع علیه، مشهور است، زیرا امکان ندارد هر دو خبر اجماعی و به صورت مجمع علیه باشد.

به عبارت دیگر این روایت وقتی می‌فرماید در مورد مجمع علیه شکی وجود ندارد، مقصود شک نسبی است. و فتوائی که مشهور باشد، نسبت به فتوای غیر مشهور ریب و احتمال خطای کمتری دارد.

## اشکالات ادله

مرحوم مظفر در کتاب اصول فقه بر دلایل بالا که ذکر شد اشکالات و پاسخ‌هایی مطرح کرده‌اند که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

پاسخ به عمومیت داشتن تعلیل در آیه نبا

ایشان معتقد است که بر فرض اینکه بپذیریم این قسمت از آیه در مقام تعلیل می‌باشد، می‌توان گفت که تمسک به عمومیت تعلیل نیست بلکه استدلال به عمومیت نقیض تعلیل می‌باشد و به اعتقاد ایشان این آیه دلالتی بر نقیض تعلیل ندارد. زیرا آیه شامل یک نهی عمومی مانند سایر نهی‌ها می‌باشد.

پس حرمت عمل به خبر فاسق بدون بررسی و تحقیق به دلیل اینکه مستلزم آسیب رساندن از روی نادانی است دلالت ندارد بر وجوب اخذ به هرچیزی که در آن از این امر ایمن هستیم و مستلزم این آسیب از روی نادانی نمی‌باشد.

دلیلی که ایشان مستند آیه درباره حجیت خبر واحد را می‌پذیرد این است که حجیت خبر واحد از عادل به جهت تمسک به مفهوم شرط بود نه تمسک به عمومیت نقیض تعلیل.

پاسخ به اولویت داشتن شهرت بر حجیت خبر واحد

مفهوم موافقت در صورتی تام و کامل خواهد بود که به نحو یقین به آن رسیده باشیم و آن را احراز کرده باشیم که علت حجیت خبر عادل افاده ظن است و آنچه ظن قوی تر باشد بر حجیت اولی تر است. در اینجا معلوم نیست که وجه حجیت خبر واحد چنین چیزی باشد در حالی که اگر عدم اعتبار ظن فعلی معلوم و ثابت نباشد.

پاسخ به دلالت بعضی از اخبار یا روایات

به اعتقاد ایشان مراد از موصول همان طور که با صله مشخص می شود می تواند با قرائن دیگر که همراه صله است نیز مشخص شود. آنچه اینجا مراد از آن را معلوم می سازد سوال قبل از آن است زیرا سوال از خود خبر است و پاسخ نیز باید با سوال هماهنگ باشد. مثالی که ایشان می آورد اینگونه است که وقتی از شما می پرسند کدام یک از برادران نزد تو محبوب تر است؟ و شما پاسخ دهید آن که از من بزرگ تر است.

در اینجا نباید کسی توهم کند که حکمی که در این پاسخ آمده هرکسی را که بزرگ تر از شماست را شامل می شود هرچند از برادران شما نباشد.

پاسخ دیگر این است که پس از روشن شدن مراد از موصول خبر، ظاهر جمله تعلیق حکم بر شهرت در خصوص خبر خواهد بود پس مناط در حکم، شهرت خبر است از این جهت که شهرت خبر می باشد نه شهرت از این جهت که شهرت است هرچند منسوب به چیز دیگری باشد.

## قول مختار مصنف

به اعتقاد مرحوم مظفر سخن حق در این باب این است که دلیلی بر حجیت ظن حاصل از شهرت، با در نظر گرفتن میزان قوت آن هر مقدار که باشد، وجود ندارد. هرچند این نکته مسلم است که خبری که مشهور به آن عمل کرده هر چند از ناحیه سند هم ضعیف باشد حجت می باشد و دلایلی که برای حجیت شهرت بیان شده همگی مردود و غیر قابل پذیرش می باشند.

نکته ای که مرحوم مظفر اضافه می کند این است که فقط در صورت داشتن دلیل قوی و مستند می توان با مشهور مخالفت کرد و این روش به دلیل تقلید و حجیت شهرت نیست بلکه ازین جهت است که آرای علمای مشهور بزرگ شمرده شود و به آن اعتبار ببخشند.

## ثمره بحث

ثمره بحث در جایی مشخص می شود که بخواهیم بدانیم که آیا فقیه می تواند برای اثبات یک حکم شرعی به شهرت فتوایی استناد کند یا خیر؟ پس اهمیت و ثمره این بحث این است که آیا می توانیم با استناد به یک فتوای مشهور که از قدما یا متاخرین به ما رسیده است یک حکم شرعی لازم الاجرا صادر کنیم یا خیر. و باید توجه کنیم که به صرف نقل فتوا، نمی توانیم استناد به شهرت آن فتوا کنیم.

کسانی که قائل به جواز آن هستند شهرت فتوایی را لازمه اثبات حکم شرعی خود قرار می دهند و اما کسانی که قائل به حجیت شهرت نیستند سعی می کنند در اثبات احکام شرعی خود از سایر شواهد و قرائن استفاده کنند و صرفا به شهرت روایی بسنده نمی کنند.

اگر بخواهیم قائلین به حجیت شهرت را دسته بندی کنیم به سه دسته خواهیم رسید.

اول: شهرت فتوایی مطلقا حجت نیست.

دوم: شهرت فتوایی مطلقا حجت است.

سوم: فقط شهرت فتوایی قدما حجت است.

ذکر این نکته ضروری است که در تعارض روایات، شهرت روایی مرجح است. یعنی روایت مشهور به روایت غیر مشهور ارجحیت دارد و این ارجحیت به صرف نقل فتوا نمی باشد و صرف نقل فتوا باعث شهرت آن نمی شود.



## نظر استاد

در خصوص این بحث استاد محترم نمونه های عملی از حجیت شهرت فتوایی فقها را آوردند که ذیلا به آن ها اشاره خواهیم کرد.

(۱) در مساله مخیر بودن بین خواندن نماز کامل و نماز شکسته در اماکن اربعه، بعضی علما شهرت فتوایی را سبب ترجیح روایات شکسته خواندن این نماز دانسته اند و سایر روایاتی که بر کامل خواندن آن ها دلالت دارد را حمل بر تقیه کرده اند.

(۲) با استناد به شهرت فتوایی، بعضی علما فروش سگ آموزش ندیده را جایز نمی دانند.

(۳) بعضی علما با استناد به شهرت روایی، روایاتی که دلالت بر نجس بودن آب قلیل هنگام تماس با نجس دارد را بر روایاتی که دلالت بر طهارت می داند مقدم کرده اند.

## مراجعات و تتبعات

امام خمینی (ره) در کتاب التعداد و الترجیح صفحه ۱۶۸، شهرت فتوایی را فقط منحصر در مرجحات باب تعارض ندانسته است بلکه ایشان شهرت فتوایی را به صورت مستقل دارای حجت و اعتبار می داند. مرحوم امام شهرت فتوایی را مانند اجماع به این دلیل که کاشف از قول و رای معصوم می باشد معتبر می داند و آن ها را در کتاب تحریرات فی الاصول جلد ۶ صفحه ۳۸۳ از جمله ظنون خاص می داند.

آیت الله جعفر سبحانی در کتاب المحصول فی علم الاصول جلد ۳ صفحه ۲۱۴ می فرمایند که در مباحث فقهی شیعه بیش از ۹۰ مساله یافت می شود که برای استناد به آن ها فقط از شهرت روایی استفاده شده است. و اگر شهرت روایی را حجت ندانیم عملا از این مسائل چیزی باقی نخواهد ماند.